

بررسی ارتباط بین سبک‌های اسناد و گرایش مذهبی دانشجویان

دکتر سیدولی‌اله موسوی* فاطمه اسلامدوست** دکتر باقر غباری بناب***
دانشگاه گیلان دانشگاه تهران

چکیده

هدف از انجام پژوهش حاضر، بررسی ارتباط بین انواع سبک‌های اسناد و گرایش‌های مذهبی دانشجویان دانشگاه گیلان می‌باشد. به این منظور ۳۹۴ نفر (۲۵۲ دختر و ۱۴۲ پسر) از دانشجویان دوره کارشناسی دانشگاه گیلان از طریق روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای انتخاب و پرسشنامه‌های جهت‌گیری مذهبی آلپورت و سبک‌های اسناد سلیگمن در مورد آنها اجرا گردید. پس از جمع‌آوری داده‌ها از روش‌های آمار توصیفی، ضریب همبستگی پیرسون، آزمون‌های t و تحلیل واریانس برای بررسی داده‌ها استفاده شد. براساس نتایج این پژوهش، گرایش‌های مذهبی با سبک اسناد پایدارتر (در رویدادهای مثبت) و سبک اسناد ناپایدارتر (در رویدادهای منفی) رابطه مثبت و معناداری داشت. همچنین یافته‌های این پژوهش نشان داد گرایش مذهبی دخترها بطور معناداری نسبت به پسرها بیشتر است. علاوه بر آن سبک اسناد دخترها در رویدادهای مثبت، بیرونی‌تر و در رویدادهای منفی، کلی‌تر از پسرها بود. نتایج آزمون همبستگی نیز نشان داد متغیر سن با گرایش مذهبی و نوع سبک‌های اسناد رابطه معناداری ندارد. همچنین بین گرایش مذهبی و نوع سبک اسناد افراد متأهل و مجرد تفاوت معناداری وجود نداشت. مضافاً نتایج پژوهش بیانگر آن بود که گرایش‌های مذهبی و نوع سبک اسناد بین دانشجویان ورودی سال‌های مختلف تحصیلی تفاوت معناداری با

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۸۸/۸/۳

تاریخ دریافت مقاله نهایی: ۱۳۹۰/۶/۲۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۰/۷/۵

* استادیار گروه روانشناسی دانشکده ادبیات و علوم انسانی

** کارشناس ارشد روانشناسی عمومی

*** دانشیار گروه روانشناسی دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی

یکدیگر ندارد. همچنین بر طبق یافته‌های حاصله بین رشته‌های مختلف تحصیلی در نمره گرایش مذهبی و نوع سبک‌های اسناد تفاوت معناداری وجود نداشت.

واژه‌های کلیدی: گرایش‌های مذهبی، سبک‌های اسناد

۱. مقدمه

در یک صد سال اخیر تأثیرات روانشناختی مذهب در شخصیت و رفتار انسان بارها مورد مطالعه قرار گرفته و روانشناسان مشهوری چون فروید^۱، آلپورت^۲، مازلو^۳ و فروم^۴ (تریدوی^۵، ۱۹۹۶) تلاش‌های زیادی را در این زمینه انجام داده و به خصوص رابطه مذهب را با سلامت روانی بررسی کرده اند. اما در دو دهه اخیر نقش مذهب در سالم سازی انسان و ایجاد جامعه سالم، توجه گروه‌های بیشتری از روانشناسان را به خود جلب کرده است. روانشناسی جدید سعی دارد تا توجه خود را صرفاً بر مشکلات روانی متمرکز نساخته و بیشتر بر جنبه‌های مثبت زندگی معطوف نماید. در این راستا سلیگمن و سیکزنت می‌هالی^۶ (۲۰۰۰) معتقدند روانشناسی باید به یک اندازه با رشد سلامتی و درمان آسیب‌ها مرتبط باشد، در حالی که از جنگ جهانی دوم تاکنون روانشناسی به علم مداوای بیماران تبدیل شده است. این توجه غالباً انحصاری به آسیب شناسی، انسان کامل و جامعه کامیاب را به فراموشی می‌سپارد. در نتیجه هدف روانشناسی مثبت، سرعت بخشیدن به تغییر مرکز ثقل روانشناسی است، به گونه‌ای که علاوه بر پرداختن به ترمیم و مداوای بیماری‌ها، به ساخت کیفیات مثبت زندگی نیز اقدام کند. از سوی دیگر همه روزه بر تعداد افرادی که باور دارند عامل معنویت در درمان روان‌رنجوری‌ها و درماندگی روحی مؤثر است، همچنین متخصصانی که برای درمان بیماری‌های روانی و بهداشت روان بر باورها و رفتارهای مذهبی متمرکز می‌شوند، افزوده می‌شود. انسان امروز با آگاهی و بینش این واقعیت را دریافته است که بدون معنویت تنها می‌ماند و به پوچی و درماندگی خواهد رسید. مذهب به عنوان مجموعه‌ای از اعتقادات، بایدها و نبایدها و نیز ارزش‌های اختصاصی تعمیم یافته از مؤثرترین تکیه گاه‌های روانی به شمار می‌رود که قادر است معنای زندگی را در لحظات عمر فراهم سازد و در شرایط خاص نیز با فراهم سازی تکیه گاه‌های تبیینی، فرد را از تعلیق و بی‌معنایی نجات دهد (بهرامی احسان، ۱۳۷۸). نقش

مذهب در ارائه خدمات و دوستی‌ها و ابزارهای روانی که برای مقابله و تطابق با موضوعات زندگی روزمره (همچون تغییرات، فقدان و مرگ) فراهم می‌سازد، حائز اهمیت است (لوین^۷، ۱۹۹۴).

واکنش اشخاص در موقعیت‌ها متأثر از برداشت‌ها و ارزیابی شناختی آنها از آن موقعیت‌هاست. نظریه ای که در طی دو دهه اخیر مورد توجه قرار گرفته سبک اسناد^۸ یا شیوه تبیین افراد در رویدادهای روزمره بویژه موقعیت‌های تنش‌زا است که می‌تواند نقش مهمی در سلامت روانی داشته باشد (تری^۹، ۱۹۹۴). هدف از نظریه اسناد بررسی چگونگی انجام تبیین‌های علی به وسیله افراد و چگونگی پاسخ افراد به پرسش‌هایی است که با چرا آغاز می‌شوند. نظریه اسناد فرایندهای تبیین رویدادها و پیامدهای عاطفی و رفتاری ناشی از این تبیین‌ها را بیان می‌کند (راتمن^{۱۰}، سالوورگ^{۱۱}، تورووی^{۱۲} و فیشکین^{۱۳}، ۱۹۹۳). سلیگمن از پیشگامان کاربرد سبک اسناد در بهداشت روانی به ویژه افسردگی است که در زمینه رابطه سبک‌های اسنادی و افسردگی، دو مقوله را مطرح می‌سازد: ۱- سبک اسناد بدبینانه^{۱۴}: یعنی اسناد رویدادهای منفی به عوامل درونی، که افسردگی را در پی دارد. ۲- سبک اسناد خوش بینانه^{۱۵} که عبارت است از اسناد رویدادهای مثبت به عوامل درونی؛ این سبک اسناد زمینه ساز شادمانی است (فینچام^{۱۶} و برادیوری^{۱۷}، ۱۹۹۳).

در زمینه ارتباط بین گرایش‌های مذهبی و سبک‌های اسناد تحقیقات چندانی صورت نگرفته است اما ادعای ارتباط بین دین^{۱۸} و خوشبینی^{۱۹} در علوم اجتماعی سابقه طولانی و مستحکمی دارد. با این حال مطالعات آزمایشی اندکی ارتباط بین این دو سازه را به روشنی مورد بررسی قرار داده‌اند (ماتیس، فوتنت^{۲۰} و هاتچرکی^{۲۱}، ۲۰۰۳). از آن جا که عقاید و رفتارهای مذهبی، قدرت تعدیل هیجان‌ها را دارند، بسیاری از افراد مذهبی، از مذهب به عنوان یک منبع مقابله استفاده می‌کنند. نتایج تحقیقات نشان می‌دهد که افراد مذهبی از مقابله‌های مذهبی در پاسخ به بیماری‌ها، مرگ عزیزان و پیش بینی مرگ خود استفاده می‌کنند. در مطالعات پارگامنت (به نقل از مک فادن^{۲۲}، ۱۹۹۸) درباره روش‌های مقابله مذهبی به مباحثی در باب فرایندهای شناختی توسط افراد مذهبی اشاره شده است. به عقیده صاحب نظران همان طوری که عامل مذهب می‌تواند ارزیابی از منابع دردسترس شخص را برای پاسخ به تنش‌ها شکل دهد، ارزیابی شناختی از موقعیت‌های تنش‌زا را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد. به علاوه، عامل مذهب فرایندهای اسنادی را نیز تحت تأثیر قرار

می‌دهد و در ایجاد احساس بامعنا بودن، احساس کنترل و عزت نفس مؤثر است. در تحقیق الیسون^{۲۳} (۱۹۹۱) مشاهده شد که افراد دارای گرایش مذهبی بالا دارای خشنودی بیشتر از زندگی هستند و شادمانی و نشاط بیشتری دارند و در مواجهه با رویدادهای رنج‌زای زندگی، پیامدهای روانی - اجتماعی منفی کمتری را نشان می‌دهند.

ستی و سلیگمن^{۲۴} (۱۹۹۳) رابطه بین خوشبینی و باورهای متفاوت مذهبی چون بنیادگرایی^{۲۵} و لیبرالیسم را مورد مطالعه قرار دادند. نتایج این مطالعه حاکی از رابطه مثبت و معناداری بین خوشبینی و بنیادگرایی مذهبی بود. تریدوی^{۲۶} (۱۹۹۴)، به نقل از تریدوی، (۱۹۹۶) نتایج به دست آمده در مطالعه ستی و سلیگمن (۱۹۹۳) را به صورت تجربی مورد آزمایش قرار داد. نتایج تحقیق او از مطالعه ستی و سلیگمن حمایت کرد. اما علاوه بر آن نشان داد که خوشبینی با جهت‌گیری مذهبی درونی رابطه بالاتری دارد تا با بنیادگرایی. طی مطالعه ماتیس و دیگران (۲۰۰۳) نیز مشخص گردید که معنویت مذهبی و ارتباط با خدا رابطه مثبتی با خوشبینی دارد. در بررسی گروه مذهب، معنویت و اعتقاد شخصی سازمان جهانی بهداشت و سلامت^{۲۷} (۲۰۰۶) یافته‌ها نشان داد که رابطه معناداری بین ارتباط معنوی با مؤلفه‌های کیفیت زندگی (از جمله خوشبینی) وجود دارد. در مطالعه شهنی ییلاق، شکرکن و موحد (۱۳۸۳) نیز یافته‌ها نشان داد بین نگرش مذهبی و خوش بینی رابطه معناداری وجود دارد. برای روشن‌تر شدن این روابط، در این مطالعه رابطه بین دو متغیر گرایش مذهبی و سبک‌های اسناد مورد بررسی قرار گرفته تا مشخص شود آیا عملاً این متغیرها با یکدیگر رابطه قابل توجهی دارند یا خیر. همچنین در این پژوهش تأثیر تعدادی از متغیرهای فردی بر گرایش‌های مذهبی و سبک‌های اسناد مورد بررسی قرار گرفته که می‌تواند برای انجام تحقیقات آینده در این زمینه مفید باشد.

۱-۱. هدف پژوهش

هدف کلی از انجام این پژوهش دست‌یابی به اطلاعاتی پیرامون رابطه گرایش‌های مذهبی و سبک‌های اسناد در نمونه‌های دانشجویی می‌باشد. یعنی بررسی اینکه آیا گرایش‌های مذهبی با نوع سبک‌های اسناد دانشجویان ارتباط دارد؟ در صورت وجود ارتباط تعیین چگونگی ارتباط حائز اهمیت است، یعنی این که چگونه ویژگی‌های جمعیت شناختی دانشجویان از قبیل سن، جنس، رشته تحصیلی و وضعیت تأهل در این ارتباط

تأثیر می‌گذارد.

۲. روش تحقیق

بررسی حاضر یک پژوهش توصیفی و از نوع مطالعات زمینه‌یابی است که در قالب آن میزان رابطه بین اندازه متغیرهای مورد نظر به کمک روش‌های آماری مورد بررسی قرار گرفته است. اطلاعات لازم برای این پژوهش نیز از طریق انجام عملیات میدانی (اجرای پرسشنامه و رجوع به نشریات و منابع علمی معتبر) گردآوری شده است. جامعه آماری این مطالعه شامل ۳۹۴ نفر از دانشجویان دختر و پسر رشته‌های کارشناسی دانشگاه گیلان (۲۵۲ دختر و ۱۴۲ پسر) است که در هنگام اجرای پرسشنامه‌های این تحقیق (سال تحصیلی ۸۶-۱۳۸۵) در سال اول الی سال چهارم رشته‌های مربوطه مشغول به تحصیل بوده‌اند. برای انتخاب آزمودنی‌های این تحقیق از روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای و برای به دست آوردن اطلاعات تحقیق از دو پرسشنامه زیر استفاده شده است:

الف- مقیاس جهت‌گیری مذهبی: مقیاس جهت‌گیری مذهبی (درونی- بیرونی) آلپورت (۱۹۵۰) دارای ۲۰ ماده است که جهت‌گیری مذهبی درونی و بیرونی را مورد سنجش قرار می‌دهد. از ۲۰ گزینه این مقیاس ۱۱ گزینه آن (۴، ۶، ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۵، ۱۶، ۱۷، ۱۸، ۱۹ و ۲۰) به جهت‌گیری بیرونی و ۹ گزینه آن (۱، ۲، ۳، ۵، ۷، ۸، ۹، ۱۰ و ۱۱) به جهت‌گیری درونی اختصاص دارد. بر اساس نظریه آلپورت، مذهب درونی امری فراگیر و دارای اصول سازمان یافته و درونی شده است در حالی که مذهب بیرونی امری خارجی است و به عنوان ابزاری برای ارضای نیازهای فرد (از قبیل مقام و امنیت) مورد استفاده قرار می‌گیرد. در این پژوهش برای سنجش گرایش مذهبی آزمودنی‌ها از این آزمون استفاده شده است. به طوری که میل نمرات به سمت جهت‌گیری مذهبی درونی به معنای گرایش مذهبی بیشتر و سمت جهت‌گیری مذهبی بیرونی به معنای گرایش مذهبی کمتر در نظر گرفته شده است. پایایی این آزمون در یک گروه نمونه ۲۳۵ نفری از دانشجویان دانشگاه‌های استان تهران توسط جان بزرگی (۱۳۷۸) معادل $0/74$ محاسبه شده است که حاکی از همسانی درونی بالای آزمون است. در پژوهش حاضر نیز مقیاس جهت‌گیری مذهبی آلپورت اجرا گردید و به موجب محاسبات محقق ضریب آلفای کرونباخ آن برابر با $0/62$ به دست آمد.

ب- مقیاس سبک‌های اسناد: برای تعیین اندازه و نوع اسنادهای علی آزمودنی‌ها، از مقیاس سبک‌های اسناد سلیگمن (۱۹۷۹) استفاده شد. این مقیاس یک پرسش‌نامه خودگزارشی است که برای تعیین سبک اسناد افراد در سه بعد درونی- بیرونی، پایدار- ناپایدار و کلی- اختصاصی (پس از موقعیت‌های موفقیت و شکست) مورد استفاده قرار می‌گیرد. اصل این پرسشنامه شامل دوازده موقعیت فرضی است که به دنبال هر یک از آنها سه سؤال مطرح شده است. با این توضیح که سؤال‌های اول، دوم و سوم در هر موقعیت به ترتیب به سنجش بعد درونی- بیرونی، پایدار- ناپایدار و کلی- اختصاصی می‌پردازد. در مطالعه‌ای که اسلامی‌شهربابکی (۱۳۶۹) انجام داده است دو موقعیت از مقیاس فوق به دلیل مغایرت‌های فرهنگی حذف گردید و بر آن اساس این پرسشنامه اجرا شد که با توجه به اندازه ضرایب پایایی حاصله برای زیر گروه‌ها، به نظر می‌رسد پایایی این پرسشنامه از کاربردهای پیشین آن نیز بیشتر شده است. در پژوهش حاضر مقیاس تجدید نظر شده اخیر اجرا گردید که ضریب آلفای کرونباخ برای نمره ی کلی آن ۰/۷۶ بود. اندازه ضریب آلفای کرونباخ در نمونه ۳۹۴ نفری این پژوهش، برای گروه‌های فرعی این آزمون به این قرار به دست آمد: پیامد بد درونی ۰/۵۵، پیامد بد پایدار ۰/۶۶، پیامد بد کلی ۰/۶۸، پیامد خوب درونی ۰/۶۰، پیامد خوب پایدار ۰/۶۷، پیامد خوب کلی ۰/۵۸.

روش اجرای آزمون‌ها

پس از مشخص شدن تعداد افراد نمونه، پرسشنامه آلپورت و مقیاس سبک‌های اسناد سلیگمن توسط محققین بر روی افراد نمونه اجرا گردید. پرسشنامه‌ها در فاصله بین کلاسها و در زمان استراحت دانشجویان در بین آنها توزیع و پس از تکمیل جمع آوری شدند. پرسشنامه‌های ناقص در تحلیل‌ها کنار گذاشته شدند.

روش‌های آماری

برای تجزیه و تحلیل اطلاعات پژوهش از آزمون t ویژه ی گروه‌های مستقل، ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل واریانس یک طرفه استفاده شد.

۳. یافته‌ها

الف. داده‌های توصیفی و یافته‌های استنباطی گرایش‌های مذهبی

بر اساس یافته‌های حاصل از این پژوهش، میانگین نمره گرایش‌های مذهبی در پسرها بیش از دخترهاست (جدول ۱). این نتیجه حاکی از آن است که در پژوهش حاضر، دخترها نسبت به پسرها مذهبی‌تر هستند.^{۲۸}

جدول ۱: نتایج آزمون t برای بررسی تفاوت میانگین نمره گرایش‌های مذهبی در دختران و

پسران دانشجو

سطح معناداری	درجه آزادی	t	انحراف معیار	میانگین	تعداد افراد	ویژگی‌های آماری	
						متغیر	
۰/۰۰۱	۳۹۲	۴/۶۵	۸/۲۱	۵۲/۳۳	۲۵۲	نمره گرایش مذهبی	
			۹/۲۷	۵۶/۵۳	۱۴۲	دختر پسر	

بر اساس داده‌های جدول ۱ تفاوت نمره گرایش‌های مذهبی بین دو گروه پسر و دختر در سطح $P < 0/001$ معنادار است. بنابراین دخترها (با توجه به میانگین کمتر نمرات در مقیاس آلپورت) به طور معناداری نسبت به پسرها مذهبی‌تر هستند. نتایج آزمون هم‌چنین نشان داد که متغیر سن با گرایش مذهبی ارتباط معناداری ندارد. هم‌چنین بین میانگین نمره گرایش‌های مذهبی افراد متأهل و مجرد تفاوت معناداری وجود نداشت. داده‌های مربوط به گرایش‌های مذهبی به تفکیک رشته‌های تحصیلی در جدول ۲ نمایش داده شده است:

جدول ۲: داده‌های توصیفی نمره گرایش‌های مذهبی با توجه به ماهیت رشته‌های تحصیلی

انحراف معیار	میانگین	تعداد افراد	رشته‌های تحصیلی	ویژگی‌های آماری	
				متغیر	
۸/۴۵	۵۳/۵۴	۱۴۲	علوم انسانی	نمره گرایش مذهبی	
۸/۹۶	۵۲/۴۲	۶۶	کشاورزی		
۸/۸۹	۵۴/۸۵	۱۰۸	فنی		
۹/۲۷	۵۴/۱۸	۷۸	علوم پایه		
۸/۸۳	۵۳/۸۴	۳۹۴	جمع کل		

همانطور که در جدول ۲ آمده، دانشجویان رشته‌های فنی بیشترین نمره گرایش‌های مذهبی را کسب کردند و پایین‌ترین میانگین نمرات به دانشجویان رشته‌های کشاورزی اختصاص دارد. آزمون تحلیل واریانس یک طرفه (ANOVA) نشان داد که تفاوت بین رشته‌های مختلف تحصیلی از لحاظ گرایش‌های مذهبی معنادار نمی‌باشد.

در بررسی اثر سابقه تحصیلی بر گرایش‌های مذهبی دانشجویان نیز نتایج آزمون تحلیل واریانس یک طرفه (ANOVA) حاکی از آن است که تفاوت مشاهده شده در نمرات گرایش مذهبی دانشجویان ورودی سال‌های ۱۳۸۲ الی ۱۳۸۵ معنادار نمی‌باشد.

ب. داده‌های توصیفی و یافته‌های استنباطی سبک‌های اسناد

بر اساس تفاوت‌هایی که در میانگین سبک‌های اسناد^{۲۹} دختران و پسران دانشجوی ملاحظه گردید، نتایج آزمون t نشان داد که تفاوت مشاهده شده بین دختران و پسران در سبک اسناد درونی - بیرونی (پس از موفقیت) در سطح $P < 0/05$ و سبک اسناد کلی - اختصاصی (پس از شکست) در سطح $P < 0/01$ معنادار است. با توجه به این نتایج، دخترها نسبت به پسرها در هر دو متغیر مذکور به طور معناداری نمره بالاتری را کسب کرده‌اند. یعنی سبک اسناد دخترها در مقایسه با پسرها در رویدادهای مثبت، بیرونی‌تر و در رویدادهای منفی، کلی‌تر می‌باشد.

نتایج آزمون‌های آماری نشان داد که متغیر سن با انواع سبک‌های اسنادی ارتباط معناداری ندارد. بنابر نتایج حاصل از آزمون t بین افراد مجرد و متأهل از نظر سبک اسناد (پس از موفقیت و شکست) تفاوت معناداری ملاحظه نشد. همچنین آزمون تحلیل واریانس یک طرفه نشان داد که بین رشته‌های مختلف تحصیلی و بین دانشجویان ورودی سال‌های مختلف تحصیلی از لحاظ سبک‌های اسناد تفاوت معناداری وجود ندارد.

ج. رابطه بین گرایش‌های مذهبی و سبک‌های اسناد

برای تعیین رابطه بین نمره گرایش‌های مذهبی و سبک‌های اسناد، آزمون همبستگی پیرسون اجرا گردید که نتایج آن در جدول ۳ آورده شده است.

جدول ۳: آزمون ضریب همبستگی پیرسون بین نمره گرایش‌های مذهبی و سبک‌های اسناد

پس از شکست		پس از موفقیت			انواع سبک‌های اسناد
کلّی - اختصاصی	پایدار - ناپایدار	درونی - بیرونی	کلّی - اختصاصی	پایدار - ناپایدار	
۰/۰۰۳	۰/۱۰*	-۰/۰۵	۰/۰۶	۰/۱۱*	-۰/۰۶

* $P < 0.05$

همانگونه که در جدول ۳ آمده، رابطه بین نمره گرایش‌های مذهبی با اسناد پایدار - ناپایدار در رویدادهای مثبت و منفی معنادار است ($P < 0.05$). این نتیجه با توجه به مثبت بودن ضرایب همبستگی، بیانگر آن است که افزایش گرایش‌های مذهبی با سبک‌های اسناد پایدارتر (در رویدادهای مثبت) و ناپایدارتر (در رویدادهای منفی) رابطه دارد اما رابطه گرایش‌های مذهبی با سایر انواع سبک‌های اسناد معنادار نیست.

۴. بحث و نتیجه‌گیری

تحلیل داده‌های پژوهش حاضر در مورد این سؤال که آیا بین گرایش‌های مذهبی و سبک‌های اسناد دانشجویان رابطه معناداری وجود دارد، نشان داد که نمره گرایش مذهبی^{۳۰} با سبک اسناد پایدار - ناپایدار^{۳۱} (در رویدادهای مثبت) رابطه مثبت و معنادار دارد. یعنی با افزایش گرایش مذهبی، سبک اسناد در رویدادهای مثبت پایدارتر خواهد بود. ولی با سبک اسناد درونی - بیرونی و کلی - اختصاصی رابطه معناداری ندارد. مطالعات پیشین در این زمینه بیشتر در زمینه رابطه گرایش‌های مذهبی و خوشبینی (اسناد درونی، پایدار و کلی در رویدادهای مثبت و اسناد بیرونی، ناپایدار و اختصاصی در رویدادهای منفی) انجام شده است. این نتیجه، که گرایش مذهبی با اسناد پایدارتر در رویدادهای مثبت و اسناد ناپایدارتر در رویدادهای منفی ارتباط دارد، با نتایج حاصل از یافته‌های محققانی مانند ماتیس و دیگران (۲۰۰۳)، ستی و سلیگمن (۱۹۹۳) و تریدوی (۱۹۹۴)، به نقل از تریدوی، (۱۹۹۶) که رابطه مثبت بین خوش بینی و معنویت‌گرایی را نشان دادند، هماهنگ می‌باشد. همچنین در بررسی گروه مذهب، معنویت و اعتقاد شخصی سازمان جهانی بهداشت و سلامت (۲۰۰۶) یافته‌ها نشان داد که رابطه معناداری بین ارتباط معنوی با مؤلفه‌های کیفیت زندگی

(از جمله خوشبینی) وجود دارد. شهنی بیلاق و دیگران (۱۳۸۳) نیز در بررسی خود در این زمینه نتیجه مشابه بدست آوردند. در تبیین رابطه بدست آمده می‌توان به نظر مک فادن (۱۹۹۸) اشاره کرد که از نقش مثبت مذهب در فرایندهای اسنادی یاد کرده و معتقد است عامل مذهب فرایندهای اسنادی را تحت تأثیر قرار می‌دهد و احساس بامعنا بودن، کنترل و عزت نفس تحت تأثیر مذهب قرار می‌گیرند. همچنین تریدوی (۱۹۹۶) و ماتیس و دیگران (۲۰۰۳) از نقش مذهب در خوشبینی حمایت کرده و بیان می‌کنند که یک جهت‌گیری مذهبی درونی می‌تواند سبب خوشبینی شود. زیرا یک رابطه شخصی با موجودی برتر، سبب پیدایش چشم انداز مثبتی در زندگی می‌شود. به عبارت دیگر افرادی که گرایش مذهبی بیشتری دارند و از روی علاقه اوقاتی را با خدا می‌گذرانند، چشم انداز مثبت تری از زندگی دارند. از طرفی دیگر نتیجه این پژوهش تأکید می‌کند که گرایش مذهبی بیشتر با اسناد پایدار تر در رویدادهای مثبت ارتباط دارد. با توجه به این می‌توان گفت افرادی که گرایش مذهبی بیشتری دارند رویدادهای خوشایند را بیشتر به عوامل پایدار و دائمی نسبت می‌دهند. یافته دیگر این پژوهش این است که گرایش مذهبی با سایر ابعاد سبک اسناد (درونی - بیرونی و کلی - اختصاصی) رابطه معناداری ندارد. از آنجایی که خوشبینی دو بعد دیگر سبک اسناد را نیز در بر می‌گیرد، این نتیجه مغایر با یافته‌های پژوهشگران مذکور است و ممکن است ناشی از آن باشد که گرایش مذهبی با دو بعد دیگر سبک اسناد بطور غیر مستقیم ارتباط دارد.

بررسی یافته‌ها نشان داد گرایش مذهبی دخترها به طور معناداری نسبت به پسرها بیشتر است. این نتیجه مغایر با پژوهش جلیلوند (۱۳۸۰)، سرگلزایی، بهدانی و قربانی (۱۳۸۰) و همسو با یافته‌های روغنجی (۱۳۸۴)، پورشریفی و دیگران (۱۳۸۳)، عظیمی و نوغانی (۱۳۷۹)، براون و دیگران (۱۹۸۰)، به نقل از روغنجی، (۱۳۸۴) می‌باشد. در جامعه ما این نتایج شاید به این دلیل باشد که دین برای زنان، جایگزین حمایت‌های اجتماعی می‌شود، در حالی که مردان معمولاً این حمایت‌ها را از مسیرهای دیگری تأمین می‌نمایند. همچنین بخشی از این تفاوت‌ها احتمالاً مربوط به راههای اجتماعی شدن متفاوت دخترها و پسرها است. از طرف دیگر مذهب در برگیرنده فرامین و دستوراتی است که متضمن جنبه‌های اخلاقی و تربیتی است که با نقش زنان به عنوان مربی و مادر همخوانی دارد (پرسمان، لیونز، لارسن و استرین، ۱۹۹۰). به طوری که این یافته‌ها حاکی از آن است که

عوامل بیولوژیکی اگر چه ممکن است در برخی از تفاوت‌های بین دو گروه مؤثر باشد اما این تفاوتها از عوامل رفتاری و اجتماعی نیز تأثیر می‌پذیرند.

یافته‌های این پژوهش همچنین نشان داد سبک اسناد دخترها در رویدادهای مثبت، بیرونی تر و در رویدادهای منفی، کلی تر از پسرها می‌باشد. همسو با پژوهش حاضر موسوی (۱۳۸۳) در تحقیق خود به این نتیجه رسید که در دو بعد درونی - بیرونی (پس از موفقیت) و کلی - اختصاصی (پس از شکست) بین دو گروه پسر و دختر تفاوت معناداری وجود دارد. با این توضیح که در پژوهش فوق (برخلاف پژوهش حاضر) یافته‌ها نشان داد دانشجویان دختر نسبت به پسرها در رویدادهای مثبت اسناد درونی تر و در رویدادهای منفی (همسو با پژوهش حاضر) اسناد کلی تری دارند. احدی (۱۳۷۴) نیز به این نتیجه رسید که سبک اسناد دخترها پس از شکست بیشتر درونی، پایدار و کلی است. بنابراین یافته‌های حاصل از پژوهش احدی نیز در راستای پژوهش حاضر بوده و با آن هماهنگ می‌باشد.

این یافته‌ها همچنین با نتایج تحقیقات بیر^{۳۲} و سیلویا^{۳۳} (۱۹۹۹) و بارتال (۱۹۷۸)، به نقل از احدی، (۱۳۷۴) که دریافتند مردان بیشتر از زنان موفقیت خود را به توانایی خود اسناد می‌دهند، همخوان است. این در حالی است که مک‌هاف^{۳۴}، فریز^{۳۵} و هنوسا^{۳۶} (۱۹۸۲) دریافتند میان دو گروه پسر و دختر از نظر نوع سبک اسناد تفاوت معناداری دیده نمی‌شود و کریمی (۱۳۷۸) نیز بیان کرد که به دلیل همسانی شرایط اجتماعی نقش جنسیت در سبک اسناد از اهمیت و اثر کافی برخوردار نیست. در همین رابطه مرور مطالعات مربوط به اسناد (به نقل از خدایاری فرد، ۲۰۰۲) نشان داد که الگوهای اسنادی در ابتدا می‌تواند نتیجه ادراک زنان از انتظارات پائین دیگران درباره موفقیت و شکست آنها باشد. سپس آنان این الگوهای اسنادی را درونی کرده و الگوهای غیر سازگارانه ای را برای خود می‌سازند. همچنین تفاوت سبک اسناد دختران و پسران به تمایلات اجتماعی ناشی از انتظارات مختلف از جنسیت نیز مربوط می‌شود. در نتیجه به نظر می‌رسد این تفاوتها با توجه به عواملی چون تفاوت فردی، فرهنگی، موقعیتی و مفهوم خود قابل تعبیر و تفسیر باشد.

نتایج این پژوهش همچنین نشان داد بین دانشجویان متأهل و مجرد از لحاظ گرایشهای مذهبی و سبک‌های اسناد تفاوت معناداری وجود ندارد. در پژوهش روغنجی (۱۳۸۴) نیز بین جهت گیری مذهبی دانشجویان متأهل و مجرد تفاوت معناداری وجود

نداشت اما یافته پژوهش سرگلزایی و دیگران (۱۳۸۰) حاکی از آن بود که افراد متأهل به طور معناداری گرایش مذهبی بیشتری نسبت به مجردها دارند. چون تعداد افراد متأهل نسبت به مجرد در این پژوهش (۰.۵٪ در برابر ۰.۹۵٪) بسیار کم بود نمی توان نتیجه گیری قاطعی را ارائه کرد.

همچنین بر طبق نتایج حاصله بین سبک اسناد افراد متأهل و مجرد تفاوت معناداری مشاهده نشد. در این مورد نیز با توجه به نسبت افراد متأهل به مجرد نمی توان نتیجه گیری قاطعی را ارائه کرد. از طرفی در این خصوص تحقیق دیگری یافت نشد، برای تبیین این نتیجه باید بررسی‌های بیشتری صورت گیرد. علاوه بر یافته‌های بالا نتایج این مطالعه حاکی از آن بود که بین رشته‌های مختلف تحصیلی در نمره گرایش مذهبی و نوع سبک‌های اسناد تفاوت معناداری وجود ندارد. یافته‌های پژوهش موسوی (۱۳۸۳) نیز همسو با پژوهش حاضر، نشان داد در هیچ یک از ابعاد سبک اسناد بین رشته‌های مختلف تحصیلی تفاوت معنادار وجود ندارد. با توجه به این نتایج به نظر می‌رسد رشته تحصیلی عامل مهمی برای مقایسه گرایش‌های مذهبی و سبک اسناد نمی باشد. نتایج آزمون‌های آماری نشان داد عامل سن با گرایش مذهبی و نوع سبک‌های اسناد رابطه معناداری ندارد. در تبیین این نتیجه شاید بتوان گفت که چون دانشجویان تقریباً در یک رده سنی (جوان) هستند، گرایش‌های مذهبی و نوع سبک اسناد در بین افراد این گروه تفاوت چندانی با یکدیگر ندارد.

بر اساس نتایج حاصله بین دانشجویان ورودی سال‌های مختلف از نظر گرایش مذهبی تفاوت معناداری وجود نداشت اما در پژوهش خدائپناهی و خوانین زاده سریزدی (۱۳۸۰) دانشجویان سال آخر نسبت به سال اولی‌ها پایبندی بیشتری به مذهب داشتند. به نظر می‌رسد برای بررسی این تناقض باید تحقیقات بیشتری انجام شود. همچنین پژوهش حاضر نتایج نشان داد نوع سبک اسناد دانشجویان ورودی سال‌های مختلف تفاوت معناداری با یکدیگر نداشت. یافته‌های پژوهش موسوی (۱۳۸۳) نیز همسو با نتایج پژوهش حاضر می‌باشد. برای توضیح این نتیجه می‌توان به سه عامل زیر اشاره کرد:

- ۱- احساس مشابه از برجسب دانشجویی در طول سال‌های تحصیلی
 - ۲- عدم تفاوت در برخورداری از امتیازهای اجتماعی در طول سال‌های تحصیلی
 - ۳- شباهت مشکلات دوران دانشجویی در طول سال‌های تحصیل
- با توجه به نتایج از آنجائی که گرایش مذهبی با جنبه‌هایی از سبک‌های اسناد ارتباط

معناداری داشت بهتر است برای روشن تر شدن رابطه بین این متغیرها تحقیقات بیشتری در این زمینه انجام شود.

پیشنهادها

الف. پیشنهادهای کاربردی

۱- با توجه به ارتباط گرایش‌های مذهبی با اسناد پایدار (در رویدادهای مثبت) و اسناد ناپایدار (در رویدادهای منفی) و تأثیر این نوع سبک اسناد با افزایش سلامت روانی، پیشنهاد می‌شود تمهیدات آموزشی لازم برای اسنادهای درونی در رویدادهای مثبت در گروه‌های مختلف صورت گیرد تا افراد موفقیت‌ها را به خود نسبت دهند و احساس مسئولیت کنند.

۲- با توجه به ارتباط گرایش‌های مذهبی با سبک اسناد خوش بینانه و نقش آن در درمان اختلالات اضطرابی و افسردگی، پیشنهاد می‌شود در جهت پرورش اسنادهای خوش بینانه در افراد جامعه کوشش به عمل آید.

ب. پیشنهادهای پژوهشی

۱- با توجه به اینکه در این پژوهش تعداد افراد متأهل شرکت کننده به نحو چشمگیری کمتر از تعداد شرکت کنندگان مجرد بود، پیشنهاد می‌شود برای دستیابی به نتایج مطمئن تر، پژوهش‌های دیگری با تعداد مناسبی از آزمودنی‌های متأهل و مجرد صورت گیرد.

۲- پیشنهاد می‌شود از روش مصاحبه نیز برای کشف اسنادهای افراد و چگونگی این اسنادها و میزان مذهبی بودن آنها استفاده شود و داده‌های حاصل از مصاحبه با داده‌های حاصل از پرسشنامه مقایسه شود.

۳- با توجه به اینکه ضریب آلفای کرونباخ آزمون آلپورت در حد متوسط بود، پیشنهاد می‌شود در تفسیر نتایج حاصله با احتیاط عمل شود.

یادداشت‌ها

- | | |
|-------------|---------------------------------|
| 1. Freud | 2. Allport |
| 3. Maslow | 4. Fromm |
| 5. Treadway | 6. Seligman, & Csikszentmihalyi |

- | | |
|--|-----------------------|
| 7. Levin | 8. attribution style |
| 9. Terry | 10. Rothman |
| 11. Salvoverg | 12. Turvey |
| 13. Fishkin | 14. pessimistic |
| 15. optimistic | 16. Fincham |
| 17. Bradury | 18. religion |
| 19. optimism | 20. Fontenot |
| 21. Hatcher-Kay | 22. McFadden |
| 23. Ellison | 24. Sethi, & Seligman |
| 25. fundamentalism | 26. Treadway |
| 27. World Health Organization's Quality Of Life / Spirituality, religion and Personal Belief | |

۲۸. نمره کمتر در مقیاس آلپورت حاکی از گرایش مذهبی بیشتر می‌باشد.

۲۹. با افزایش نمرات در موقعیت‌های منفی، سبک اسناد افراد درونی‌تر، پایدارتر و کلی‌تر است اما در موقعیت‌های مثبت، بیرونی‌تر، ناپایدارتر و اختصاصی‌تر می‌باشد.

۳۰. هر چقدر نمره آزمودنی در مقیاس جهت‌گیری مذهبی کمتر باشد، گرایش مذهبی او بیشتر است.

۳۱. نمره سبک اسناد در رویدادهای مثبت، هر چه کمتر از ۱۰ باشد سبک اسناد شخص درونی‌تر، پایدارتر و کلی‌تر است و هر چه بیشتر از ۱۰ باشد نشان‌دهنده اسناد بیرونی‌تر، ناپایدارتر و اختصاصی‌تر می‌باشد اما در رویدادهای منفی عکس آن صادق است. نمره ۱۰ خط‌برش اندازه سبک‌های اسناد را نشان می‌دهد.

- | | |
|------------|------------|
| 32. Bayer | 33. Sylvia |
| 34. McHugh | 35. Frieze |
| 36. Hanus | |

منابع

الف. فارسی

- احدی، حسین (۱۳۷۴). بررسی اسنادهای علی دانشجو- معلمان دختر و پسر مراکز تربیت معلم. مشهد: فصلنامه تعلیم و تربیت، شماره ۴۳ و ۴۴، ۱۰۵-۱۲۲.
- اسلامی شهر بابکی، حیدر (۱۳۶۹). رابطه بین سبک تبیین و افسردگی در بیماران افسرده یک قطبی و دو قطبی و مقایسه آن با افراد بهنجار. پایان‌نامه کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی. تهران: انستیتو روانپزشکی.

بهرامی احسان، هادی (۱۳۷۸). بررسی مؤلفه‌های بنیادین سازش یافتگی در آزادگان ایرانی. رساله دکتری روانشناسی. دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده علوم انسانی.

پور شریفی، حمید و دیگران. (۱۳۸۳). بررسی بهداشت روان دانشجویان ورودی جدید دانشگاه‌های وزارت علوم. دومین سمینار بهداشت روانی دانشجویان، ۱۳-۱۲ اسفند ۱۳۸۳، دانشگاه تربیت مدرس، تهران.

جان بزرگی، مسعود (۱۳۷۸). بررسی اثر بخشی روان درمانگری کوتاه مدت، آموزش خود مهارگری با و بدون جهت گیری مذهبی اسلامی بر مهار اضطراب و تنیدگی. پایان نامه دکتری، دانشگاه تربیت مدرس تهران.

جلیلووند، محمد امین (۱۳۸۰). بررسی رابطه روان و پابندی به تقیدات مذهبی در دانشجویان پزشکی. چکیده مقالات اولین همایش بین المللی نقش دین در بهداشت روان، ۲۷-۳۰ فروردین ۱۳۸۰. دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی ایران، تهران.

خداپناهی، محمدکریم و خوانین زاده سریزدی، مرجان (۱۳۸۰). بررسی نقش ساخت شخصیت در جهت گیری مذهبی دانشجویان. مجله روانشناسی تابستان ۱۳۷۹، ۴ (۲)، پیاپی ۱۴: ۱۸۵-۲۰۴.

روغنجی، محمود (۱۳۸۴). رابطه جهت گیری مذهبی با سلامت روان دانشجویان دانشگاه رازی. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی.

سرگلزایی، محمدرضا؛ بهدانی، اسماعیل و قربانی، فاطمه (۱۳۸۰). آیا فعالیت‌های مذهبی می‌توانند از افسردگی، اضطراب و سوء مصرف مواد در دانشجویان پیش گیری نمایند؟ چکیده مقالات اولین همایش بین المللی نقش دین در بهداشت روان، ۲۷-۳۰ فروردین ۱۳۸۰. دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی ایران، تهران.

شهنی بیلاق، منیجه؛ شکرکن، حسین و موحد، احمد (۱۳۸۳). رابطه علی بین نگرشهای مذهبی، خوشبینی، سلامت روانی و سلامت جسمانی در دانشجویان دانشگاه شهید چمران اهواز. مجله علوم تربیتی و روانشناسی، دوره سوم، سال یازدهم، شماره اول، ۲، ۳۴-۱۹.

عظیمی، حمیده و نوغانی، مهران (۱۳۷۹). بررسی میزان اضطراب و تطابق مذهبی در دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی مازندران. مجله علمی پژوهشی دانشگاه علوم

کریمی، یوسف (۱۳۷۸). روانشناسی اجتماعی (نظریه‌ها، مفاهیم و کاربردها). تهران: نشر ارسباران.

موسوی، سید ولی اله (۱۳۸۳). ارتباط بین سبک‌های اسناد، عزت نفس، خلاقیت و نگرش خلاق در دانشجویان. رساله دکتری، دانشگاه تهران، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی.

ب. انگلیسی

- Allport, G. (1950). *The individual and his religion*. New York: McMillan.
- Bayer, S., & Sylvia, R. (1999). Gender difference in social attributions by college students of performance on course examination. *Journal of Current Psychology*, 17, 346-379.
- Ellison, C. G. (1991). Religious involvement and subjective well-being. *Journal of Mental Health and Social Coping: An introduction* (2nd Ed.). New York. Columbia University Press.
- Fincham, F., & Bradury, T. (1993). Marital satisfaction, depression and attributions. A longitudinal analysis. *Journal of Personality and social Psychology*, 64, 442-452.
- Khodayarifard, M. (2002). Differences between Males and Females from English-speaking and Non-English-speaking families on their attribution style and Anxiety. Available at: <http://www.ut.ac.ir/users/khodayari/comp%20eng%20article%20002.htm>.
- Levin, J. S. (1994). *Religion in aging and health. Theoretical foundation and methodological frontiers*. California. SAGE Publications Inc.
- Mattis, J. S., Fontenot, D. L., & Hatcher-Kay, C. A. (2003). Religiosity, racism, and dispositional optimism among African Americans. *Journal of Personality and Individual Differences*, 34 (6), 1025-1038.
- McFadden, S. H. (1998). *Religion and Aging*. University of Wisconsin Oshkosh.
- McHugh, M. C., Frieze, I. H., & Hanusa, B. H. (1982). Attributions and sex differences in achievement: Problems and Perspectives. *Sex Roles*, 8, 467-479.
- Pressman, P., Lyons, J. S., Larson, D. B. & Strain, J. J. (1990). Religious belief, Depression and ambulation status in elderly women with broken hips. *American Journal of Psychiatry*, 147, 758-760
- Rothman, A., Salvoverg, P., Turvey, C., & Fishkin, S. (1993).

- Attributions of responsibility and precaution: Increasing mammography utilization, among women. *Journal of Health Psychology*, 12, 39-47.
- Seligman, M. E. P. (1979). *Learned helplessness and depression in animals and men*. Morris tone, N. J.: General Learning Press.
- Seligman, M. E. P. & Csikszentmihalyi, M. (2000). Positive psychology. *Journal of American Psychologist*, 55, 1, 5-14.
- Sethi, S., & Seligman, M. E. P. (1993). Optimism and fundamentalism. *Journal of Psychological Science*, 4 (4), 256-259.
- Terry, D. (1994). Determinants of copying the role of stable and situational factor. *Journal of Personality and Social Psychology*, 66, 895-910.
- Treadway, K. M. (1996). Religion and optimism: models of the relationship. *The Student Journal of Psychology*, 55 (1), 254-259.
- WHOQOL SRPB Group (2006). A cross-cultural study of spirituality, religion, and personal beliefs as components of quality of life. *Journal of Social Science and Medicine* , 62 (6), 1486-1497.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی